

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: توماج

۲۴ مارچ ۲۰۱۱

لیبیا، جنگ داخلی و گزینه یورش خارجی

خیزش نیروهای مخالف رژیم حاکم بر لیبیا که از میانه ماه فیروزی آغاز شد از شکل تظاهرات و اعتصابات به جنگ داخلی فرارونده است. پس از آن که مخالفان برخی از شهرهای مهم همچون بنغازی را "آزاد" نمودند، ارتش و میلیشای وفادار به سرهنگ معمر قذافی با استفاده از اقسام گوناگون سلاح، از جمله سنگین و بمباران هوایی عزم خود را برای در هم کوبیدن مخالفان به جهانیان نشان دادند.

به اساس آخرین خبرهای انتشار یافته، در شهر بنغازی که به پایگاه مخالفان تبدیل شده، درگیری میان نیروهای دولتی با نیروهای مخالف قذافی همچنان ادامه دارد. در حالی که فرماندهان ارتش از "تصفیه" کشور سخن می گفتند، مخالفان همچنان "مصراة" را در غرب کشور، واقع در یک صد و پنجاه کیلومتری شرق طرابلس، پایتخت لیبیا در اختیار خود داشتند. این چنین بود که جبهه های نبرد میان ارتش و مخالفان به سمت شرق کشور جابه جا می شد. شهرهایی که به دست مخالفان رژیم افتاده بود، یکی پس از دیگری دوباره به دست نیروهای وفادار به دولت افتاده اند. نیروهای دولتی توانستند شهر مهم نفت خیز "البریقه" را از دست مخالفان بیرون آورند، مخالفانی که این شهر را به مرکز "شورای ملی انتقالی" تبدیل کرده بودند.

خبرهای منتشر شده در بیست و دوم حوت حکایت از آن دارند که مخالفانی که در روزهای نخست از سقوط سریع رژیم قذافی سخن می گفتند اکنون نگران وضعیت خود هستند. در حالی که دولت شبکه تلفن های همراه را قطع نموده است، برخی از مخالفان چشم ها را به سوی "کمک و یاری" نیروهای خارجی دوخته اند و همچون احمد الزبیر السنوسی، خویشاوند شاه سابق لیبیا ادریس اول، می گویند: "جهان باید هر چه سریع تر به ما کمک کند".

اما منظور از این کمک چیست؟ آیا منظور همان است که جلسات متعدد "ناتو" در روزهای اخیر برای حمله نظامی به لیبیا مد نظر داشته است؟ آیا هدف کمک اتحادیه اروپا و برخی اعضای آن همچون فرانسه است که اکنون "شورای ملی انتقالی" را به عنوان نماینده مردم لیبیا به رسمیت می شناسد در حالی که این شورا، تشکیلی خودخوانده و غیرانتخابی است؟ آیا یاری لیگ عرب است که برای سر معمر قذافی جایزه گذاشته است و خواهان شکل گیری منطقه ممنوع پروازی است؟

وضعیت لیبیا با کشورهای همجوارش که با خیزش های توده ئی منجر به سقوط دیکتاتور هائی همچون بن علی در تونس و مبارک در مصر شدند، متفاوت است. هر چند معمر قذافی در سال های اخیر سیاست های خارجی خود را به نفع نزدیکی و دوستی با کشورهای غربی و استعمارگران سابق تغییر داد و دست شرکت های نفتی را برای استخراج منابع نفت در سطح یک میلیون و چهارصد هزار بشکه در روز بازگذاشت، اما سابقه او و رژیمی که پیش از چهار دهه از حیاتش می گذرد در تعیین سیاست های کنونی قدرت های بزرگ جهانی بی تاثیر نیستند.

لیبیا در دسامبر ۱۹۵۱ نخستین کشور افریقائی بود که پس از جنگ جهانی دوم به استقلال دست یافت. در سال ۱۹۶۹، معمر قذافی با الهام از نظرات جمال عبدالناصر مصری، رژیم سلطنتی ادریس اول را با تشکیل یک هسته مخفی در ارتش سرنگون کرد و دست به یک رشته اقدامات اصلاحی زد. او در مارس ۱۹۷۰ نظامیان انگلیسی را با برپائی چند تظاهرات گسترده توده ئی وادار کرد تا خاک لیبیا را ترک کنند. در ماه ژوئن همان سال یک پایگاه نظامی امریکائی نیز در نزدیکی طرابلس تعطیل شد. در اواخر سال ۱۹۷۱ صنعت نفت نوپای لیبیا ملی اعلام شد، زمین های کشاورزی متعلق به ایتالیائی ها نیز ملی شدند و آخرین استعمارگران ایتالیائی از لیبیا اخراج شدند. در همان دوران وضعیت زنان از نظر حقوقی بهبود یافت. معمر قذافی که خود را در عین حالی که ضد سرمایه داری اعلام کرده بود ضد کمونیست نیز می دانست واژه "سوسیالیست" را به نام رژیم خود که "جماهیر عربی خلق لیبیا" نامید، افزود.

سال های طولانی حکمرانی قذافی در لیبیا با فراز و فرودهای فراوانی در زمینه ی سیاست های خارجی همراه بوده است. در جنوری سال ۱۹۸۶، رونالد ریگان روابط اقتصادی و تجاری امریکا را با لیبیا به بهانه همکاری این کشور با تروریسم قطع کرد. در مارچ همان سال یک ناو هواپیمابر امریکائی در آب های لیبیا به ناوهای موشک انداز آن حمله کرد و آن ها را از بین برد. در پنج اپریل همان سال نیز چند سرباز امریکائی در انفجار دیسکوتکی در برلین غربی کشته شدند. ریگان رژیم قذافی را متهم به این عمل کرد و دستور ضدحمله داد. در حمله هوائی امریکا به محل سکونت قذافی در باب العزیزه، دخترش حنا درگذشت. چندی بعد، در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ انفجار بوئینگ ۷۴۷ پان امریکن در پرواز لندن به نیویورک که منجر به مرگ دویست و هفتاد تن شد به لیبیا نسبت داده شد.

هنگامی که قذافی قول داد تا دو متهم انفجار مذکور را محاکمه کند، شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم ها و محدودیت ها را علیه لیبیا کاهش داد و از جنوری ۱۹۹۹ روابط انگلستان و لیبیا از سر گرفته شد. فروپاشی بلوک شرق در تغییر سیاست های قذافی بی تاثیر نبود. در آغاز سده جدید میلادی سران کشورهای غربی برای سفر به لیبیا و برقراری روابط اقتصادی به ویژه در زمینه نفت و گاز با یک دیگر مسابقه گذاشتند: اکتبر ۲۰۰۲ برلسکونی ایتالیائی، سپتامبر ۲۰۰۳ آسنار اسپانیائی، مارچ ۲۰۰۴ بلر انگلیسی، اکتبر ۲۰۰۴ شرویدر المانی و نوامبر ۲۰۰۴ شیراک فرانسوی.

قذافی نیز پیروزمندانه اروپا را زیرپا گذاشت و در اپریل ۲۰۰۴ در بروکسل مهمان رومانو پرودی، رئیس دیپلماسی اتحادیه اروپا بود. او در اگست همان سال مهمان بوش بود همچنان که شرکت های نفتی اکسون موبیل، شورون تکزاکو و کنوکو فیلیپس. قذافی تروریست ناگهان به یک رئیس متعارف کشور لیبیا تبدیل شد!

در ماه می ۲۰۰۶ امریکا که رئیس جمهورش لیبیا را به همراه ایران و کره شمالی به عنوان سه کشوری که بر روی "محور شر" قرار دارند، گذاشته بود آن را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج کرد. در همان سال و سال پس از آن امریکا و فرانسه حتا قراردادهائی در زمینه هسته ئی با لیبیا امضاء نمودند. پس از آن که تونی بلر

در مه ۲۰۰۷ به لیبیا رفت، بریتیش پترولیوم یک "قرارداد مهم" برای بهره برداری منابع گاز با لیبیا امضاء کرد. در دسامبر همان سال قذافی به فرانسه رفت و به مبلغ ده میلیارد یورو با این کشور قرارداد امضاء کرد که برخی از آنها در زمینه تسلیحات نظامی ست.

رویدادهای اخیر در لیبیا و تظاهرات و اقدامات مسلحانه نیروهای ضد رژیم از نظر دولت کار نیروهای خارجی است. اعتراضات کنونی می توانند خودجوش باشند، هر چند که نیروهای خارجی و به ویژه قدرت های بزرگ می توانند با موضع گیری به نفع کل اپوزیسیون یا بخش هایی از آن بخواهند بر این رویدادها تاثیر بگذارند. در این که معمر قذافی دیکتاتوری ست که دورانش به سر آمده است، شکی نیست، در این هم شکی وجود ندارد که امپریالیسم امریکا و اتحادیه اروپا قصد دارند با حمایت از اپوزیسیون که نام شورای ملی انتقالی را بر خود گذاشته است بر روند اوضاع تاثیر بگذارند و دوران پس از قذافی را به نفع خود رقم بزنند. آن ها همچنین به نام "دفاع از مردم لیبیا" قصد دارند یک بار دیگر اقدام جنایتکارانه حمله نظامی را با استفاده از تشکیلات جنگ طلب "ناتو" روی میز بگذارند. هدف ناتو و دیگر دخالت های نظامی هرگز دفاع از مردم یا بخشی از مردم نبوده است. اگر کسی در این موضوع شک دارد افغانستان و عراق حی و حاضر در برابر چشمانش است. ناتو، امپریالیست های امریکائی و اروپائی بیش از آن که در فکر دفاع از مردم لیبیا باشند در اندیشه حفظ بخشی از منافعشان هستند که در حوضه های نفتی و گازی لیبیا خوابیده است. آن ها نگران این هستند که تا به کی می توانند کاهش تولید نفت لیبیا را از یک ملیون و چهار صد هزار بشکه در روز به سی صد هزار بشکه در روز به دلیل رویداد های کنونی تحمل کنند؟ مردم لیبیا حق دارند که برای نجات خود از چنگال یک رژیم دیکتاتوری دست به تظاهرات بزنند و حتا سلاح به دست بگیرند و علیه آن بجنگند، اما آن ها باید همزمان مخالفت خود را با هر گونه دخالت نظامی و حتا سیاسی قدرت های منطقه ئی و جهانی در تعیین سرنوشت شان اعلام کنند. چرا که در غیر این صورت از چاله ای در می آیند و به چاهی می افتند.